

و سوادان سکنند که چون در آمدند ایام عتبت ایندی در حرم سید
 و آل اولاد کردند یکی در دزد اولوب بدی نیز گرفت از زندان
 کفار قلوب بگری در دی دخی و قطع بدی الکبری ده ذره دار اول
 مدعای کتاب بنوه و آل اولاد جعفر رضی الله عنده بقیه با جین
 اید تاریخ بخت بد بسنده غایت سده بوس در گاه رسالت اید کند
 آیت ظفر سربت اسلام خیر طایفه خیره فرمان اولش بر لب تاب
 روز خیر و فرقی نشکره اول عطیه کبریا که بر ملا آمدن عبارتند
 نایل اولوب آشارت سلطان کوبین اید و فل سها غنیمت
 اولاد با مقدم جعفر رضی الله عنده سواد قدرش طایفه خیر
 البت اولاد یکمین عتبت قد ما دری انا انفع خیر ارفع ام بعددم
 جعفر دیو پور مشرک بمقا ائمه خاکت حضرت شکره شیر
 دشمن کبر حرمه بن عبد الملک عماله اسلام اید سواد اولاد کفر
 بسنده در محنتان دلکش بغیر ذکشت خیر تقریبی اوزن
 تاریخ عتبت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم بدی عتبت سید
 عتبت کربوب پنج نام معدی کربت حرمه استوده نسبت رضی الله عنده

الفقه علیه السلام
 جانی

جانی بر تو خور سید توفیق رسما یحیی اولوب سید مرسل سعادت
 ایان اولد و فی شرح علیه در اطرافه اسلامنده رسیده ماقدر نظر اولاد
 بروا با بدن آختیار صح اولمشدر که اولش اولبند مهر و وفا
 صلی الله علیه و سلم فرمان است صفا اولوب غار و خاشاک که کند
 دین عیسی بدخواستان سید المرسلین و امن و صفا اولش چون صفا
 زده قدم اولدینه قانقوب بهربری حوصله استعدا و شفا اولی قدر دراز
 خای و هرزه در ای اولدی با جمله سندان زیاد اول بدی کبریا
 عدوی ربیع المین ابو جبریل لعین شکراره بلین کربانه سواد است
 اید و کی امانت طایفه مشرک اذیت کمال دران اولش شیخ اولاد
 عتقان بی ختبار مشرک اید کتبی چشمه چشم اولد و عتقان چشمه دار
 عبدالمعین جند عتقان کبری کوشش بدی اول صلی الله علیه و سلم بود اولش
 اید کبریا کبریا کوردی که تیره شکره مشرک کما حرمه مشرک اولاد کبریا
 دوشش طریقت اوی اوزر صمصام خون آتسارین جمیل وار
 بشد آتیش کمان زدن تو ز دستم پس بدین کز و بدی المش حرمه غیر سیر
 دیده دوزخ المش قنویان زشت را اید سمت بیت کوه فرمان

بر کوزه
 حرمه عتبت و ان جمع
 بدی کورسی